

از آن ور آخوندهای درباریشان تبلیغ می‌کنند و افساد می‌کنند و بر ضد اسلام حرف‌ها می‌زنند، تفرقه می‌اندازند بین مسلمین؛ از آن طرف هم، آنها به جان مردم افتاده‌اند و همه چیزشان را دارند می‌برند. و ما هم کنار بنشینیم، تماشا کنیم؛ ما تماشاچی هستیم! ما چه کاری به این کارها داریم! ما می‌رویم نمازمان را می‌خوانیم و روزه مان را می‌گیریم و تمام شد! تکلیف همین است؟! امیرالمؤمنین همین بود؟ سیدالشهدا، اگر این فکر را می‌کرد که نمی‌رفت به کربلا، با یک عدد معدودی. این فکر را نمی‌کرد، این فکر غلط ما در ذهن او نبود. ۱۴ بهمن ۱۳۶۳



ما رایت الا جمیلا

فاطمه قنادی

ای کربلا می‌خواهم با تو بگویم هر آنچه را که شنیده‌ام.

آخر تو همانی که پاک ترین بندگان خدا در آغوش به دیدار معبود رفتند. همانان که با پست‌ترین انسان‌ها جنگیدند و مرگ سرخ را به زندگی با ذلت ترجیح دادند. می‌خواهم بدانم چه زمانی از همه سخت‌تر برایت بود؟ شهادت علی اکبر(ع)؟ شهادت حضرت ابالفضل؟ شهادت امام حسین (ع)؟ و یا نه...

آری! از همه سخت‌تر برایت همان لحظه‌ای بود که حضرت اباعبدالله با نگاهی نگران به خیمه‌ها نگریست همان لحظاتی که به خیمه‌های اهل بیت پیامبر حمله‌ور شدند...

ای کربلا بگذار برایت بگویم از زمانی که نفرت انگیزترین مردم یعنی یزید از باده پیروزی سرخوش بود اما سخن علی گونه بانویی آن را دردم شکست و خشت خشت آن کاخ را به لرزه درآورد. ای کاش بودی آن لحظه‌ای که حضرت زینب (س) فرمود:

«ای فرزند معاویه! اگرچه سختی‌ها و پیشامدها و فشار روزگار، مرا در شرایطی قرار داد که مجبور شدم با تو حرف بزنم، اما تو را کوچکتر از آن مقام ظاهری‌ات می‌بینم و بسیار توبیخ و سرزنش می‌کنم. چگونه سرزنش نکنم در حالی که چشم‌ها در فراق دوستان، گریان و دل‌ها در فراق عزیزان، سوزان است.»

کربلا! میدانم دلت خون است اما بگذار برایت بگویم که این دل خونی تو همیشه در یاد شیعیان می‌ماند. آخر حضرت زینب(س) خود فرمود:

«یزید! هر آنچه می‌خواهی مکر و فریب و سعی خود را به کار گیر، ولی بدان که هر چه تلاش و مکر به کارگیری، باز هرگز توان آن را نداری که ذکر خیر ما را از یادها بیرون ببری. هرگز قدرت نداری که وحی ما را نابود و ذکر ما را خاموش سازی و به آرزوی پلید و دیرینه خود نایل شوی. سعی و تلاش تو هرگز نخواهد توانست ننگ و عار اعمال را از دامن پاک سازد.»

هرگز! هرگز! آگاه باش که عقل تو بسیار ناتوان، و دوران زندگی و عیشت به سرعت از بین‌رفتنی و جمع تو رو به زوال و پریشانی است. روزی فرا می‌رسد که منادی حق فریاد بر می‌آورد: «لعنت خدا بر ستمکاران و بیدادگران باد»

اکنون من نیز حمد خدا را می‌گویم که سر آغاز زندگی دودمان ما را با سعادت و آموزش قرین ساخت و پایان زندگی ما را با شهادت سرشار از رحمت به پایان برد.»

اما بگذار به تو بگویم هر آنچه که تو دیده‌ای چیزی جز زیبایی نبوده که حضرت زینب(س) فرمود:

«من چیزی جز زیبایی ندیدم؛ ما رایت الا جمیلا»...

جان کری: " ما کور نیستیم و فکر نمی‌کنم احمق هم باشیم "

ضرورت برداشتن گام‌های متوازن و هم‌زمان در مذاکرات هسته‌ای از سوی طرفین

محمد جان نثاری

زمینه‌نگرانی هایشان بر طرف شود، به هدف خود رسیده‌اند؛ در آن سوی میدان حق ملت ایران نیز به واسطه‌ی تحریم‌های غیر قانونی که به خاطر تشکیک در فعالیت‌های هسته‌اش وضع شده مورد خدشه قرار گرفته است که در صورت وجود اراده‌ی سیاسی در طرف مقابل، ایران نیز به حق خود خواهد رسید و در نهایت دو طرف به یک بازی برد-برد دست خواهند یافت.

گرچه در حواشی این بازی نتایج دیگری نیز بدست خواهد آمد که جز لاینفک این بازی‌اند.

چهارم: مذاکره‌کنندگان ایرانی بر اساس تجربیات اندوخته شده از مذاکرات سال ۸۲ تا به امروز، نقشه راهی را برای مذاکرات طراحی کرده‌اند که بر اساس اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به نتیجه منتهی شود و در صورت نرسیدن به نتیجه‌ی مطلوب ضرری هم نداشته باشد.

«متنی که مورد توافق دو طرف قرار می‌گیرد باید شامل تفاهم بر اهداف مشترک، اقدامات مرحله اول و مرحله نهایی شود. این امکان وجود ندارد که بدون تفاهم بر اهداف و مرحله نهایی فقط بر روی مرحله اول تفاهم کنیم. این مجموعه باید کامل باشد تا اقدامات ما در مرحله اول ایجاد اطمینان کند. اگر روی هدف و مرحله نهایی توافق نداشته باشیم، حتما اقدامات ما در مرحله اول نمی‌تواند اطمینان ساز باشد، بلکه همه طرف‌ها با توجه به نگرانی که از هدف طرف مقابل دارند، ممکن است اقدامات را نیمه‌کاره انجام دهند و بدون توجه به یک آینده قابل ترسیم آن را دنبال کنند که نتیجه خوبی نخواهد داشت» (۳)

و برای اطمینان از حصول نتیجه «با توجه به پیشینه‌ای که از اقدامات آمریکا در ذهن مردم ایران و بی‌اعتمادی که وجود دارد، همه اقدامات در مرحله اول قابل بازگشت طراحی شده است.» (۴)

پنجم: ایران اراده سیاسی خود را برای به ثمر رسیدن مذاکرات به اثبات رسانده، از اجازه‌ی بازدید از تاسیسات آب سنگین اراک گرفته تا ارائه‌ی پیشنهادها‌ی عملی در مذاکرات بنابراین امروز غرب و جامعه بین‌الملل است که باید به پیشنهادها‌ی متوازن ایران توجه کند و از این فرصت که برای آنها ایجاد شده استفاده کند. در ادامه‌ی مسیر هر خواسته‌ای از طرف مقابل که بیش از اثبات صلح آمیز بودن و صلح آمیز ماندن برنامه‌ی هسته‌ای ایران را طلب کند یک خواسته‌ی غیر منطقی و به نوعی باج خواهی خواهد بود.

«ما با دشمن طرفیم و دشمن همه تلاشش را خواهد کرد که آنچه در عرصه تهدیدها و تحریم‌ها به آن نرسیده در عرصه دیپلماتیک به آن برسد و ما قرار نیست در این عرصه به آنها باج دهیم. ما اصول و تاکتیک‌های خود را داریم که به نتیجه برسیم» (۵)

ششم: «ما این راه را ادامه می‌دهیم و حداقل آن این است که به فرموده رهبر انقلاب از آن ضرر نمی‌کنیم و من نیز این را اضافه می‌کنم که حداقل این مذاکرات این است که نقش ایران در منطقه و جهان ظهور پیدا می‌کند و افکار عمومی باور می‌کنند که ایران لجبازی نکرده و همانطور که گفته به دنبال سلاح کشتار جمعی نیست.» (۶)

و در این جبهه‌ی نبرد تیم مذاکره‌کننده‌ی ایران نه کور است و نه احمق.

- (۱) برای اطلاع بیشتر به مقالات پیرامون تئوری بازی مراجعه شود
- (۲) سید عباس عراقچی، مذاکره‌کننده ارشد ایران
- (۳) محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه
- (۴) محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه
- (۵) در مذاکرات هسته‌ای سید عباس عراقچی، مذاکره‌کننده ارشد ایران
- (۶) حسن روحانی، رئیس‌جمهور

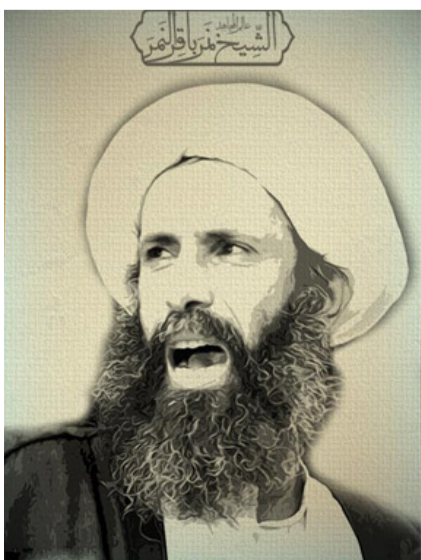
یکم: در روز رای اعتماد به سومین وزیر پیشنهادی ورزش و جوانان، رییس‌جمهور روحانی طی نطقی در مجلس، مواضع خود در مذاکرات هسته‌ای را این چنین بیان کرد: «در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ یعنی سال ۸۲ شمسی، ایران پای میز مذاکره نشست و در آن زمان تحریمی در کار نبود. ایران به صورت منطقی به مذاکرات خود ادامه داد و حتی در شرایطی که دشمن می‌خواست ما را تحریم کند و حتی پس از تحریم‌های ظالمانه مذاکرات را قطع نکرد.» و در ادامه برای چندمین بار تصریح کرد: «امیدوارم طرف‌های مذاکره‌کننده با ایران در ۱+۵ از فرصت استثنایی که ملت ایران برای غرب و جامعه بین‌الملل ایجاد کرده‌اند، استفاده کرده تا بتوانیم در زمان معقولی به نتیجه مثبت دست پیدا کنیم.»



دوم: غرب و جامعه‌ی بین‌الملل خصوصا آمریکا گمان می‌کنند که گزینه‌ی تحریم تا حدی موثر واقع شده اما هنوز نتوانسته ایران را به زانو درآورد به گونه‌ای که ایران دست‌ها را به نشانه‌ی تسلیم بالا بگیرد، برای آمریکا و هم پیمانانش اسرائیل، نفوذ ایران در منطقه و یکه تازی او در حوادثی نظیر حوادث سوریه، یک نگرانی به حساب می‌آید. آمریکا راغب است که فشار را بر ایران تا آنجایی افزایش دهد که ایران از عمق استراتژیک خود دست بکشد یا در این زمینه امتیازات قابل توجهی به آمریکا بدهد، بنابراین گزینه‌ی نظامی را به عنوان یک اهرم فشار همیشه روی میز دارد. آمریکا برای آنکه بتواند نقش نوع دوستی و صلح خواهی خود را در عین فشار به ایران بازی کند استفاده‌ی صلح آمیز ایران از انرژی هسته‌ای را مورد خدشه قرار داده است؛ اینکه چرا ایران بیش از نیاز سوخت ۲۰ درصد تولید می‌کند؟ چرا سایت فردو داخل کوه است؟ هر کشوری که آب سنگین داشته بمب ساخته و چندین چرای دیگر، برخی هم در داخل کمک به چرای سازی‌های آمریکا کرده‌اند، مجموع این چراها و عدم بازتاب پاسخ‌های قانع‌کننده‌ی ایران در رسانه‌های جهان و قلب رخداده‌ها، سبب شده تا آمریکا بتواند از هیچ، همه چیز، برای افکار عمومی خود و جهان درست کند؛ ایران برنامه اش صلح آمیز نیست، اگر ایران به غنی سازی ادامه دهد به بمب هسته‌ای دست پیدا میکند و این یعنی امنیت جهان در خطر است و از این جنس حرف‌ها که بتواند افکار عمومی را برای تحریم ایران، برای احیانا حمله نظامی به ایران و دیگر اقدامات زیاده خواهانه آماده کند. پر واضح است که آمریکا برای فراگیر شدن صلح در جهان دست به این اقدامات علیه ایران نزده است چرا که در صورت نگرانی از خدشه به صلح جهانی خیلی قبل تر باید جلوی هم پیمان اصلی خود، اسرائیل را میگرفت و او را تحریم میکرد و شاید خود را هم باید جزو لیست کشوره‌های تحریم شده قرار میداد. این اقدامات گزینشی آمریکا بیش از هر چیزی بهانه جویی‌های آمریکا برای اعمال فشار به ایران را اثبات میکند. فشارهایی برای به حاشیه راندن برخی از حقیقی ترین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران که به حاشیه رفتن آنها ۳۵ سال را به حاشیه می‌برد.

سوم: آنچه غرب و جامعه‌ی بین‌الملل و در راس آنها آمریکا، تا به امروز نشان داده‌اند، این است که درک درستی از بازی برد-برد ندارند و حرفهای این روزهای مقامات آمریکایی و فرانسوی، مذاکرات را به سوی یک بازی باخت-باخت هدایت میکنند (۱) به طوری که هیچ یک از طرفین مذاکره، به نتیجه‌ی مطلوب خود نخواهند رسید. نتیجه‌ی خوبی که این روزها غربی‌ها در دیدارهای خود با مقامات رژیم اشغالگر قدس از آن دم میزنند کمتر شباهتی به نتایج یک بازی برد-برد دارد. «ما خوشبین نیستیم اما بدبینی مانع از انجام مذاکرات هم نیست» (۲) اگر غرب و جامعه بین‌المللی که نگرانی خود را در عدم صلح آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ای می‌دانند، در این

بُکشید ما را



- * اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز طایفه‌ای سازمان‌یافته به‌ویژه در مناطق شرقی عربستان
 - * نقد رسانه‌های دولتی و تبلیغات دروغین آنها
 - * تلاش وهابیت برای ایجاد تفرقه در جهان اسلام
 - * افشای همدستی حکومت و مفتی‌های وهابی
 - * انتقاد از رژیم‌های عربی پادشاهی منطقه خصوصا آل خلیفه
 - * توجه به مسئله فلسطین و مبارزه علیه صهیونیسم
 - * انتقاد از وابستگی کشورهای عربی به غرب
- «می‌دانم فردا برای بازداشت من به سراغ خواهید آمد. خوش می‌آید! این منطق و راه و روش شماست: "بازداشت" و "شکنجه" و "کشتار"؛ ما از قتل و کشتار نمی‌هراسیم. ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم.»

تصویر روبرو آیت الله نمر باقر آل نمر رهبر شیعیان عربستان سعودی است که این روزها اخباری مبنی بر احتمال اعدام وی شنیده میشود. شیخ نمر که همواره با صراحت و شجاعت به انتقاد بی‌پرده از آل سعود پرداخته است در سال گذشته با حمله وحشیانه سعودی‌ها به خودروی در حال حرکتش مواجه شد، سربازان آل سعود به سمت وی شلیک کرده و او را مجروح ساختند و سپس زندانی اش کردند. پس از دستگیری شیخ نمر اعتراضات زیادی در مناطق شرق عربستان انجام شد. شیعیان بلافاصله به خیابان‌ها ریختند. تنها در روز اول بازداشت سه نفر از معترضان کشته شدند. وی در موارد زیادی به آل سعود اعتراض میکرد که از جمله میتوان به این موارد اشاره کرد:

نگاهی به بایسته‌های حضور زنان در جامعه و بررسی نگاه‌های مختلف

افراط و تفریط

«عمدتا در طرح مسائل گوناگون دو نوع انحراف رخ می دهد. انحراف افراطی و انحراف تفریطی! این دو غالبا بصورت عمل و عکس‌العمل در سیر تاریخی نمایان می شود و بستگی دارد که کدامیک ابتدا واقع شود. در مورد زنان نیز در طول تاریخ بدلائل مختلفی تفریط شده است و حتی بعد از ظهور اسلام علی رغم تلاشهایی که اولیاء دین برای احقاق حقوق زنان و رساندن زن به جایگاه فطری و الهی خودش در جامعه انجام دادند عادات و رسوم و فرهنگهای قومی و عوامل متعدد دیگر مانعی برای تحقق کامل این هدف شد و به عبارت دیگر تعالیم و ارزشهای اسلامی در نقاط مختلف با ارزشهای قومی و محلی و احیانا مذهبی غیر اسلام مشوب شده و از پاره ای از تعالیم با تفسیرهای مختلف سوء استفاده گردید و این موجب شد که در دوران دیگری عکس‌العمل آن بصورت افراط ظاهر شود.»(۱)

جامعه فعلی ما

در جامعه ی فعلی ما و در همین عصر، نمونه هایی از نگاه نادرست به زنان وجود دارد. بعضی ها نسبت به زنان ظلم می‌کنند و حق طبیعی شان را نادیده می گیرند. بدتر این که گاهی تبعیض ها و تفریط ها در پوششی از ارزشهای اسلامی مکتوم می شود و در واقع برای سرپوش گذاشتن بر ظلم ها یک بهانه دینی و اسم دینی بکار گرفته می شود. استحباب پرده نشینی و استفاده از برخی روایات، بهانه هایی برای ظلم به زنان و عدم توجه به بخشی از توانایی های آنان است.

دیدگاه دیگری نیز در سالهای اخیر گاهی اوقات سر برآورده و سعی در انکار روحیات و خلیقات زنانه و انکار نقش مادری و همسری دارد. این دیدگاه هم ظلم به زنان است. زیرا بخشی دیگر از توانایی ها و عوامل رشد زنان را نادیده می گیرد.

دیدگاه اسلام نسبت به حضور زنان در اجتماع

بعد از ظهور اسلام، زنان از منزلت و جایگاه بالایی برخوردار شدند. در فعالیت های علمی –هم علم آموزی و هم تعلیم– فعال شدند.

در مورد شغل های دیگر نیز، با نگاهی به قرآن و سایر منابع روایی، دیده می شود که اشتغال زنان به معنای کار درآمد زا – با وجود این که در اسلام، زنان در قبال موضوعات اقتصادی و معیشتی خانواده، مسئولیتی ندارند– به عنوان یک واقعیت، مفروض گرفته شده است و ممنوعیتی از این نظر برای زنان وجود ندارد.

در حوادث مهمی چون غصب فدک، خانه نشینی حضرت علی (ع) و بعد از واقعه کربلا، حضرت زهرا و حضرت زینب جلودار شدند.

با وجود اینکه زنان نسبت به مردان عاطفی تر هستند ولی در مواقعی که لازم می شد، با تدبیر و اراده ی ستودنی نقش خویش را ایفا می کردند. در تاریخ اسلام نمونه های فراوانی می توان پیدا کرد که فرصت پرداختن به همه موارد نیست. می توان به عنوان نمونه، و مقارن با این روزها، حضرت زینب (س) را مثال زد. شهادت دو فرزند، شهادت برادر، سر بریده، بیماری امام سجاد(ع)، اسارت، بچه های کوچک و… این همه مصیبت برای حضرت زینب (س)، برای یک زن بود. اما حضرت زینب مثل یک زن داغدیده عمل نمی کند. بر خودش مسلط است. کاروان به جا مانده، زنان داغدار و کودکان صغیر، را مدیریت می کند. بت شکن است. خطابه می کند. اطلاع رسانی می کند. در بحرانی ترین شرایط پیام کربلا را به گوش مردم می رساند.

نقش زنان بنا بر فرموده ی حضرت امام(ره) و آیت الله خامنه ای در

زمان پیروزی انقلاب اسلامی و نیز ۸ سال دفاع مقدس، نقش بی بدیل و بدون جایگزینی است. حضرت امام به عنوان یک اسلام شناس در وصیت نامه خود بر مبنای همین تعالیم اسلامی می فرمایند:«ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان درصحنه‌های فرهنگی و اقتصادی ونظامی حاضر، و هم دوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیتهایی که توطئه دشمنان و نا آشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق وشعف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان وجاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند.»

–طبق این بیان، حضرت امام(ره)، مقابله ی زنان را در مقابل توطئه هایی که می‌خواهند آن‌ها را منزوی کنند یک کار ضروری می‌داند.–

بنابراین اولاً زنان توانمندی خود را در حوادث مهم تاریخی همچون کربلا و انقلاب اسلامی ایران نشان داده اند و حضور پر رنگ و موثری داشته اند. ثانیاً از دیدگاه اسلام، هیچ مانعی

برای رشد و تعالی زنان در تمام عرصه های

علمی، فرهنگی، معنوی، اجتماعی، سیاسی و …و مشاغل مختلف وجود ندارد. – البته بدون بروز جنبه ی جنسیتی–

در این نوشتار قرار نیست با توجه به برخی **و رسوم و فرهنگهای قومی و عوامل متعدد** حوادث و اتفاقات تاریخی که بعضی از این **دیگر مانعی برای تحقق کامل این هدف شد** شرایط –مثل واقعه کربلا–، شرایط عادی هم نبوده، نسخه ای عمومی برای حضور زنان در اجتماع پیچیده شود.

محل بحث

محل بحث حضور اجتماعی زنان از دیدگاه

اسلام نیست که این اصل طبق آیات و روایات

و نیز نظر رهبران انقلاب اسلامی پذیرفته شده است. آیت الله خامنه ای می فرمایند:«امام نقش زنان را فهمید؛ وآلاً بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت بکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند.»(۱۴/۱۰/۹۰)
محل بحث این است که چرا عده ای این حضور اجتماعی را نادیده می گیرند و با بهره گیری از برخی روایات چون استحباب پرده نشینی، به زنان ظلم روا می دارند؟

در پاسخ به این افراد باید گفت: «تفکیک گونه های مختلف حقوق آ از همدیگرا و بررسی آنها بطور جداگانه از یکدیگر گاهی موجب نقض غرض از استیفای حقوق می شود. در نظام ارزشی اسلام نیز نباید تمام ارزشها به نحو مطلق دیده شود بلکه بسیاری از ارزشها هر چند فی حد نفسه مطلوبیت دارند ولی مهم آن است که این ارزشها در مقایسه با ارزشهای دیگر و در چارچوب یک نظام کلی مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان نمونه در سیره پیشوایان دینی، از حضرت زهرا علیهاالسلام نقل شده که عدم رؤیت مردی غیر از همسر و در مرأی و منظر نامحرم واقع

نشدن را بعنوان ارزشی برای زن برشمرده اند. اگر چه این امر به عنوان یک ارزش اصیل در فرهنگ خانواده مطلوب است. اما این بدین معنا نیست که ارزشی مطلق بشمار آید. زیرا در مقابل این ارزش، ارزشهای دیگری چون فراگیری معارف دینی، ایفای نقش در فرهنگ جامعه، حتی کسب توان دفاعی وجود دارند که تمام این ارزشها همدیگر را تعدیل می کنند. زیرا اسلام، زنی را که هیچ ترقی از دو بعد مادی و معنوی نداشته باشد و عملاً یک عنصر عقب افتاده و کوتاه نظر، تنگ نظر و کم فایده برای جامعه باشد هرگز به عنوان یک زن کامل نمی‌پذیرد. پس نگاهی یک سونگرانه به مسائل زنان نمی تواند حق زن را ادا نماید…»(۲)

روی دیگر سکه

اینکه هنوز در پس اذهان بعضی از مردم و در عمل، نسبت به زنان ستم می شود و نقش آنان درست فهمیده نمی شود، مسئله ای درست است که باید سعی شود این دیدگاه اصلاح شود. اما افرادی به جای رسیدن به راه حل درست، راه افراط را در پیش گرفته اند و از فرصت های برابر شغلی در همه ی زمینه ها سخن می گویند و از یکسان سازی حقوق زنان با مردان، دفاع بی حد و حصر می کنند. چرا در بعضی موارد بدون توجه به ذات و طبیعت زن، دغدغه ی این افراد، عدم اشتغال زنان به بعضی حرفه های پر مشغله و یا نیازمند قدرت بدنی بالا می شود؟

چرا در کشور ما که کشوری اسلامی است،

اشتغال زنان به شغلهایی نظیر راننده تریلی،

مکانیکی، کارگر معدن و … نوعی افتخار تلقی می شود؟

می توان این نوع مسائل را از این حیث بررسی کرد که وجود این جنس آزادی ها برای زنان، نوعی افتخار است و جای خرسندی است که اگر زنی دارای روحیات متفاوت بود و یا فشار زیاد زندگی او را وادار به انجام این امور کرد، توانایی انجام این امور را از حیث اجتماعی داشته است. اما آیا این مسئله برای ما و مسئولین ما باید افتخار تلقی شود و یا تأمل ما را پیرامون چرایی

وجود زنانی در تنگناهای اقتصادی، برانگیزد؟

حرف آخر

«عده‌ای بد و کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج فهمی استفاده کردند؛ کانه یا باید زن مادر و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش ها و فعالیت های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این طوری نیست؛ هم باید مادر و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا مظهر چنین جمعی‌ست؛ جمع بین شئون مختلف. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی‌های القاء شده‌ی به عنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ اینها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به وجود آورده؛ بنابراین حقیقتا باید در زمینه‌ی کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازبینی کرد.» (۳)

۱و۲. بخش هایی از مصاحبه آیت الله مصباح

۳. بیانات آیت الله خامنه ای

۴. ۱۳/۷/۹۲: **عفونت معده**

کسی به تب‌های شدید و اعتراض‌ها و نگرانی‌ها جواب نمی‌دهد. درد معده همراه با خونریزی دستگاه گوارش امان ماریا را می‌برد. با دستور پزشک آندوسکوپی شده و معلوم می‌شود معده وی عفونت کرده است. از اینجا به بعد تب هم به دردهای دیگر افزوده می‌شود و رسیدگی خوب نیست تا بالاخره یک شب تب و درد آنقدر بالا می‌رود که به ام–آر–آی فرستاده می‌شود؛ ریه و پا کاملاً عفونی شده‌اند، روند جدید کنترل عفونت با تجویز آنتی‌بیوتیک است.

۵. ۱۹/۷/۹۲:**فریادرسی می آید!**

نماینده بوکان در مجلس برای رسیدگی به وضعیت ماریا به بیمارستان می رود. قسیم عثمانی با دیدن وضعیت پای بیمار و میزان ناراحتی برادرش، شروع به نامه‌نگاری و پیگیری وضعیت او می کند. عثمانی پیشنهاد می‌دهد که با معاونت دانشجویی و سازمان خدمات دانشجویی دانشگاه تهران تماس بگیرند و بپرسند چرا با اینکه در جریان وضعیت بودند، پیگیری نکرده‌اند و چرا با وجود این همه اعتراض به کار بیمارستان، او را به بیمارستان دیگری منتقل نکرده‌اند؟

۶. ۲۰/۷/۹۲: **نوشدارو پس از مرگ سهراب**

امروز شرایط تا حدی تغییر کرده و برخی پزشکان و مسئولان به سراغ ماریا می‌روند وگویا مسئولان بیمارستان عمل فوری برای وی تدارک دیده اند، ولی دانشگاه مانع از این اتفاق شده و او را به بیمارستان سینا منتقل می کنند.

۷. **اکنون**

اتاق خصوصی‌اش در بخش وی–آی–پی بیمارستان آرام است و خبری از کثیفی و شلوغی و رفت و آمد نیست. اما ماریا هنوز همان است؛ بیمار، ناآرام، با نفسی که درست مثل پیرزن‌های هفتاد ساله از زور گرفتگی، گاهی صدایش را قطع می‌کند.

در مدت بستری بودن در بیمارستان سینا، چهار بار عمل شده؛ گوشت را از پایش جدا کرده‌اند و شست و شو داده‌اند، اما هنوز دو عمل دیگر پیش رو دارد تا تازه به آنجا برسند که آیا می‌توانند گوشت پای راستش را جدا کنند و به پای چپ پیوند بزنند یا نه. از پرسنل بیمارستان سینا راضی است، به او رسیدگی می‌کنند. اما شکایت دارد، گلایه نه، شکایت دارد: «به من نرسیدند، نباید حتما نماینده مجلس می‌آمد تا رسیدگی می‌کردند. من دانشجوی دانشگاه تهرانم، من تحت پوشش بیمه آن دانشگاهم. آن‌ها در قبال من مسئول بودند.»

چه کسی در قبال این دختر دانشجو پاسخگوست؟مقصر کیست؟

۱. ماریا؟!

۲.شست پا؟!

۳.چرخ اتوبوس؟!

۴.سطل زباله ی عفونی بیمارستان؟!

۵.ویلچر؟!

۶.تب؟!

۷.تحریم!!؟

....

یا خدای نکرده مسولانی چون:

۱.راننده؟!

۲. دانشجوی متخصص؟!

۳. پزشک معالج؟!

۴.پرسنل بیمارستان؟!

۵.رییس بیمارستان؟!

۶. رییس خوابگاه؟!

۷. رییس دانشگاه؟!

!!؟

هفت های دردناک یا هفته‌های

دردناک!؟

زهرا هاشمی

۱. ۲/۷/۹۲:**تصادف**

«ماریا» دانشجوی دانشگاه تهران،در حال پیاده شدن از سرویس دانشگاه است که ناگهان در اتوبوس زودتر از انتظار بسته می شود و با حرکت اتوبوس، چادر او هم کشیده می شود. او به زمین می خورد و دو چرخ اتوبوس یکی پس از دیگری از روی شست پایش رد می شوند. غروب پس از عکس گرفتن و معاینه و شست و شوی پا، ماریا به اتاق عمل برده می شود. پس از عمل، او را در اتاقی شش نفره و کنار سطل زباله عفونی بستری می کنند همین باعث می شود پای چپش تا محدوده لگن کاملاً عفونی شود.

۲. ۶/۷/۹۲:**راه اندازی(از پاندازی)!**

برای اولین بار پس از عمل پزشکان ماریا را مجبور به راه رفتن می کنند. آن‌ها اصطلاح «راه‌اندازی» را استفاده می‌کنند و وقتی می‌بینند او زیر بار نمی‌رود، یک دانشجوی سال سوم تخصص به هر ترتیبی شده به عنوان پزشک معالج او، بی‌توجه به التماس‌های بیمار، او را روی ویلچر می‌نشانند. روی ویلچر نشستن همان و ترکیدن تاولهای خونی زیر نشیمنگاه و ران، همان.

۳. ۸/۷/۹۲:**نقرس**

استاد آن پزشک دانشجو می آید و دستور می دهد پا را آویزان کنند. اما با آویزان کردن پا، زانو آسیب می بیند. متخصص ارتوپد می‌گوید: زیر زانو هم با این کار، نقرس شده است. از آن روز به بعد دیگر پا را آویزان نمی‌کنند.